



رَدِّیَه

حجاب و مسأله الزام به آن در حکومت اسلامی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات
(خوزه‌های علمی)

شبهه‌شناسی

گفت‌وگو با سید و پاسخ‌گویی

ضمیمه ماهنامه شبهات

shobhe.pasokh.org

فهرست

۵	مقدمه
۷	چکیده
۹	پیش‌گفتار
۱۱	تبیین شبهه
۱۳	پاسخ شبهه
۱۳	الزام یا اجبار
۱۴	الزام حجاب از منظر عقلی
۱۶	الزام حجاب از منظر دینی و فقهی
۲۴	الزام حجاب از منظر تاریخی
۲۷	الزام حجاب از منظر سیاسی
۳۰	نفی الزام حجاب ناشی از خطای موضوعی و حکمی در مورد حجاب
۳۵	حد عدم الزام به حجاب
۳۶	الزام حجاب و مقبولیت اجتماعی
۳۷	جمع‌بندی
۳۷	منابع

مقدمه

حجاب که حفظ آن در اسلام از واجبات است سابقه‌ای دیرین در فرهنگ ایرانی دارد؛ با توجه به نقش این عنصر در حفظ و بالندگی نظام اسلامی، عده‌ای همواره کوشیده‌اند با شبهه در اصل حکم یا الزام آن توسط حاکمیت، موجبات کم رنگ شدن این فریضه را در جامعه مهیا نمایند. این شماره از ردیه با عنوان «حجاب و الزام آن در حکومت اسلامی» تلاشی است جهت پاسخ به جدیدترین شبهات مطرح شده.

"ردیه" پاسخی به شبهات بنیادین، اساسی و پایه‌ای است؛ شبهاتی که سبب ایجاد شک و تردید در مبانی و بنیادهای اعتقادی، باورهای مهم و تأثیرگذار دینی شده و ذهن و عاطفه مخاطبان را با چالش روبرو می‌کند.

بر خود لازم می‌دانیم از زحمات آقایان، حجج اسلام
سجاد ایزدهی، قاسم خانجانی و دکتر علی مجتبی زاده
در نگارش و بازبینی این اثر تشکر نماییم.
مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات
حوزه‌های علمیه

چکیده

الزام حجاب از ناحیه حکومت اسلامی با ادعاهایی همچون تقلیل حجاب به موضوعی فردی، نفی وجوب الزام در همه احکام اجتماعی، فقدان گزارش تاریخی الزام به حجاب در صدر اسلام و عدم مقبولیت اجتماعی حجاب و... مورد تشکیک و انکار برخی قرار گرفته است. در این نوشتار الزام حجاب از چهار منظر عقلی، دینی و فقهی، تاریخی و سیاسی اثبات شده و دلایل عدم الزامات حجاب از سوی حکومت مورد نقد قرار گرفته است.

ماهیت و مسئولیت حکومت اسلامی در قبال ارزش ها و مقابله با مفاسد و ضد ارزش ها و آثار و پیامدهای بی حجابی در زمینه سازی برای ترویج فساد و تزلزل کانون خانواده و تخریب امنیت اخلاقی و روانی جامعه، ضرورت الزام حجاب از سوی حکومت اسلامی را ایجاب می کند.

شبّهات ذیل شبّهه اصلی:

فردی بودن حجاب؛

نفی الزام حکومتی در همه احکام اجتماعی؛

شرط مقبولیت عمومی در الزام حکومتی.

پیش‌گفتار

چند سالی است که به طور خاص شاهد هجمه سنگینی نسبت به مقوله حجاب بوده و با دو جریان عمده روبرو هستیم. جریانی که متوجه اصل حکم حجاب است و از سوی دشمنان با استفاده از امپراتوری کثیف رسانه ای خود و فضای مجازی و با میدان داری عناصر معلوم الحال و وابسته و افرادی که با مبانی و احکام اسلامی زاویه داشته یا دارای تفکرات ضد دینی هستند، دنبال می شود.

و جریانی که در عین پذیرش اصل وجوب حجاب، به نفی الزام در حجاب از سوی حاکمیت می پردازد. این جریان گرچه در ظاهر اصل وجوب حجاب را پذیرفته است، اما در عمل با زیر سؤال بردن الزام در حجاب، دانسته یا نادانسته مکمل جریان نخست بوده و لبه دیگر این تهاجم شیطانی محسوب می گردد و چه

بسا خطرناک تر از آن می باشد، زیرا حجاب را از حیطة مسئولیت حاکمیت دینی خارج نموده و به رفتار فردی افراد احاله داده و دست حاکمیت را از ورود به مقوله پراهمیتی همچون حجاب بسته و جامعه را در برابر هجمه به آن خلع سلاح می نماید.

از این رو در نوشتار حاضر به بررسی و نقد این جریان و تفکر عدم الزام در حجاب و اثبات لزوم آن از سوی حاکمیت دینی می پردازیم.

تبیین شبهه

و جوب حجاب به عنوان یک حکم ضروری اسلام با وجود همه تلاش‌های خبیثانه، شبهات و تشکیک‌ها، جای تردید نداشته و کسی که کمترین آشنایی با اسلام داشته باشد به وجوب آن اذعان می‌کند. امروز حجاب به عنوان نماد ارزش‌های اسلامی در همه جوامع شناخته می‌شود. اما مسأله الزام افراد به حجاب از سوی حاکمیت دینی و تکلیف حکومت اسلامی از سوی برخی افراد مورد تشکیک قرار گرفته است و این عده تلاش کرده‌اند با تقلیل مسأله حجاب به مقوله‌ای فردی و شخصی و نفی گزارش‌های تاریخی و با استناد به برخی ادله، اصل الزام حجاب از سوی حکومت اسلامی را نفی کنند.^۱

۱. به عنوان نمونه: آقای سیدمصطفی محقق داماد، اخیراً در سخنانی درباره حجاب، ادعا کردند که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حجاب به عنوان یک الزام مطرح نبوده است و به روایتی از آن حضرت اشاره کرده‌اند که از ایشان سؤال شد برخی زنان اعرابی در بازار سر و سینه‌شان باز

در ادامه برای روشن شدن سستی و نادرستی
این انگاره با تبیین مبانی و ادله الزام حجاب از سوی
حکومت اسلامی به پاسخ این شبهه می پردازیم.

است، آیا می توانیم نگاه کنیم؟ چون به هر حال داد و ستد می کنیم. پیامبر فرمودند: «إِذَا تُهَيِّنَ لَا يَنْتَهَيْنِ» یعنی اگر نهی هم شوند، اعتنایی نمی کنند و از این روایت استفاده نموده اند که الزامی به رعایت حجاب در آن زمان وجود نداشته است. وی در ادامه سخنان خود پارافراتر گذاشته و می گوید: «مگر هر واجبی باید در قانون بیاید و نسبت به آن الزام شود؟ و حج را به عنوان مثال ذکر کرده اند که در عین واجب بودن، حکومت الزامی در مورد آن ندارد. وی بر همین مبنا ادعا می کند: «اگر کسی می خواهد حکومت اسلامی تشکیل دهد باید این را برای خودش حل کند، یک سری واجبات هست که ضمانت اجرایش دست خداوند است و برای حفظ جایگاه فقه، باید به احکامی پرداخت که مقبولیت اجتماعی دارند و اجرای آن ها موجب نارضایتی عمومی نمی شود.»

(<https://www.khabaronline.ir/amp/%3۷۵۷۸>).

پاسخ شبهه

شبهه عدم جواز الزام حجاب از سوی حکومت دینی و ضرورت الزام حجاب را از چهار منظر عقلی، دینی، تاریخی و سیاسی مورد بررسی قرار می دهیم.

الزام یا اجبار

قبل از آنکه به پاسخ این شبهه بپردازیم، تذکر این نکته لازم است که برخی تعبیر «اجبار» را به جای «الزام» در مورد حجاب به کار می برند که صرف نظر از نادرستی آن، ذهنیت منفی در جامعه القا کرده و در راستای فضا سازی منفی و جهت دار دشمن است. الزام، مفهومی اعم از اجبار دارد، زیرا الزام گاهی به تشریع حکم الزامی و التزام به آن اطلاق می شود و گاهی هم الزام در معنای اجبار به کار می رود. اطاعت ناشی از الزام با اطاعت ناشی از اجبار تفاوت دارد. در حکومت اسلامی مبنای الزام، مشروعیت بر اساس اصل حق

حاکمیت الهی و مقبولیت بر اساس اراده و اختیار آزاد خود افراد و انتخاب حکومت دینی است نه اجبار و زور.

از این جهت مقام معظم رهبری در واکنش به چنین تعبیری خاطر نشان کردند: «آنچه بنده را حساس می‌کند، طرح مسئله «حجاب اجباری» از دهان برخی خواص است. این عده که در میان آنها روزنامه‌نگار، روشنفکر نما و آخوند معمم هم وجود دارد، همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن نتوانسته با آن همه هزینه در کشور به نتیجه برساند که ان شاء الله این کارشان نادانسته باشد.»^۱

الزام حجاب از منظر عقلی

اصل لزوم برخورداری جامعه از قانون و حکومت برای جلوگیری از اختلال در نظام اجتماع، هرج و مرج و برقراری نظم و امنیت صرف نظر از هر فرهنگ و دین و آیینی مورد قبول عقل و پذیرش تمامی عقلاء است. اساساً تحقق جامعه انسانی بدون قانون و حکومت قابل تصور نیست و اصل لزوم قانون در جامعه یعنی محدودیت، الزام افراد و محدودیت در آزادی افراد است چرا که فقدان قانون، الزام اجتماعی و آزادی مطلق و

۱. بیانات در دیدار با مباحثان؛ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷.

بدون قید و شرط به هرج و مرج و اختلال نظام و نفی آزادی منجر خواهد شد و قوانین و حد و مرز آزادی در هر جامعه بر اساس مبانی فکری و ارزشی و فرهنگ و هنجارها و مذهب و... ترسیم می شود.

بنابر این در اصل ضرورت قانون و محدودیت آزادی در جامعه اختلافی میان نظام های سیاسی وجود ندارد و اختلاف در تعیین نوع قوانین و محدودیت ها بر اساس مبانی فکری و فرهنگ و هنجارهای حکم بر جامعه است.

حجاب با توجه به ماهیت، آثار و پیامدهای آن، یک امر اجتماعی محسوب می شود و یک امر فردی نبوده و به حوزه شخصی افراد محدود نمی شود و حوزه عمومی، در حیطه اختیارات و مسئولیت حکومت است و می تواند در مورد آن قانون و الزام هایی را در نظر بگیرد.

حتی در جوامع غیر دینی نیز پوشش دارای حد و مرز بوده و حضور در جامعه با هر نوع پوششی آزاد نیست. در جامعه دینی مردم با انتخاب حکومت دینی پذیرفته اند که قوانین و الزامات دینی بر جامعه حاکم شود و حجاب یکی از قوانین و حدود الهی است که باید رعایت شود.

عقل و عقلا می‌پذیرند که افرادی که یک حکومت را پذیرفته‌اند، باید به هنجارها، قوانین و ضوابط اجتماعی، تمکین نمایند. بر این اساس حتی افراد غیر مسلمان و اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی نیز ملزم به رعایت آداب و قوانین ظاهری از جمله حجاب هستند. کسی نمی‌تواند به بهانه قبول نداشتن حجاب و یا داشتن دین دیگری، از التزام به قانون سر باز زند. همانگونه که در مورد سایر قوانین نیز این قاعده جاری است.

همه افراد موظف به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هستند و برای تخلف از آن جریمه مشخص شده است یا در ایام کرونا استفاده از ماسک و زدن واکسن الزامی شد، کسی نمی‌تواند طبق میل و خواسته شخصی خودش از رعایت این قوانین امتناع کند زیرا در این صورت فلسفه وجود آن قانون لغو خواهد شد و به اصطلاح سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و حجاب نیز از این قاعده مستثنا نیست.

الزام حجاب از منظر دینی و فقهی

کسانی که الزام حجاب از سوی حکومت دینی را بر نمی‌تابند، نه حکومت اسلامی را شناخته‌اند و نه درک صحیحی از ماهیت و فلسفه حجاب و پیامدهای ناشی از عدم رعایت آن دارند.

تصور حکومت دینی‌ای که نسبت به رعایت قوانین و مقررات شرعی مسئولیتی نداشته باشد، تصور نادرستی است. اگر حکومت، حکومت دینی است، باید حدود الهی را در جامعه پیاده نماید.

قرآن کریم ویژگی‌های حکومت اسلامی را این چنین ترسیم نموده است: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱؛ کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خداست.»

امیر مؤمنان علیه السلام نیز فلسفه برپایی حکومت اسلامی را این گونه تبیین می‌فرمایند: «اللهم اناک تعلم انّه لم یکن الذی کان منّا منافسه فی سلطان ولا التماس شی من فضول الحطام ولكن لنردّ المعالِم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک، فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعظله من حدودک^۲؛ خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو را بار دیگر اجرا کنند.

بر همین اساس در قانون اساسی که مبتنی بر مبانی و آموزه‌های دینی است، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده همه امکانات خود را «برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی»^۱ به کار برد. در این راستا حکومت اسلامی موظف است با هر عاملی که فضای جامعه را آلوده می‌سازد و مانع رشد و کمال معنوی افراد جامعه می‌شود، مقابله نماید.

اشاعه ارزش‌ها و مقابله با ضد ارزش‌ها و اقامه حدود از مسئولیت‌های حکومت اسلامی است و حجاب مصداقی از ارزش‌ها و حدود الهی است و بی‌حجابی با توجه به پیامدهای مخرب آن برای خانواده و جامعه زمینه‌ساز فساد و مصداق ضد ارزش محسوب می‌گردد و حکومت اسلامی در قبال آن مسئولیت دارد.

طبیعی است که اگر بی‌نظمی و اخلال در حجاب

۱. قانون اساسی، اصل سوم، بند اول.

فراگیر و گسترده شود، تهدیدی برای جامعه اسلامی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی خواهد بود، از این‌رو، حکومت اسلامی هرگز نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند و هیچ الزام و قانونی در این زمینه نداشته باشد. زیرا رعایت ارزش‌ها و هنجارها صرفاً با فرهنگ سازی و توصیه و اخلاق محقق نشده و نیاز به ضمانت اجرا و الزام قانونی است.

از منظر دیگری از محوری‌ترین وظایف هر حکومت، برقراری و حفظ امنیت است و قلمرو امنیت متناسب با ارزش‌ها و اهداف حکومت ترسیم می‌گردد. امنیت اخلاقی و روانی یکی از ابعاد امنیت در جامعه است که بی‌حجابی زمینه ساز خدشه دار شدن آن می‌شود. از این جهت حکومت اسلامی نسبت به تأمین امنیت اخلاقی و روانی جامعه دارای مسئولیت است و رعایت حجاب مقدمه حفظ امنیت در جامعه است.

بنابر این اگر زنی تمایل به رعایت حجاب اسلامی نداشته باشد، حاکم اسلامی از دو جنبه می‌تواند او را به رعایت حجاب اسلامی ملزم نماید؛ زیرا از سویی عدم رعایت حجاب اسلامی زمینه ساز ناامنی برای خود وی خواهد شد، مانند الزام حکومت به بستن کمر بند

ایمنی به هنگام رانندگی که مانع از وقوع حوادث ناگوار برای راننده می‌شود و... و از سوی دیگر عدم رعایت حجاب اسلامی زمینه خدشه‌دار شدن امنیت سایر زنان مسلمان با حجاب خواهد شد و به منظور حفظ امنیت و تأمین شرایط امن برای زن مسلمان، الزام زنان غیرمقید به رعایت حجاب اسلامی ضرورت دارد.

ممکن است راننده‌ای برای حفظ جان خود از خطر اهمیت قائل نشود؛ ولی این بی‌توجهی می‌تواند برای دیگران خطر ساز باشد. پس از باب تأمین امنیت جانی دیگران، باید فرد خاطی را ملزم به بستن کمربند ایمنی کرد.

با وجود چنین ادله روشنی در مورد مسئولیت حکومت اسلامی در قبال ترویج ارزش‌ها و مقابله با ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و صیانت از جامعه اسلامی و حجاب به عنوان یک ارزش و بی‌حجابی به عنوان یک ضد ارزش و عامل فساد و اشاعه فحشاء، جایی برای تردید در الزام حجاب از سوی حکومت باقی نمی‌ماند. زیرا مقابله با مفاسد و ضد ارزش‌ها نیازمند ضمانت اجرا بوده و با توصیه و فرهنگ سازی به دست نمی‌آید.

با این حال برخی^۱ با استناد به یک روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که از ایشان سؤال شد برخی زنان اعرابی در بازار سر و سینه شان باز است، آیا می‌توانیم نگاه کنیم؟ چون به هر حال داد و ستد می‌کنیم. پیامبر(ص) فرمودند: «إِذَا نُهِينَ لَا يَنْتَهِين»^۲ یعنی اگر نهی هم شوند، اعتنایی نمی‌کنند، ادعا کرده‌اند که الزامی به رعایت حجاب در آن زمان وجود نداشته است.

در پاسخ گفتنی است: **اولاً؛** با توجه به آیات و روایات متعدد در مورد مسئولیت حکومت اسلامی در قبال ترویج ارزش‌ها و مقابله با مفسد و ضد ارزش‌ها، نمی‌توان تنها به استناد یک روایت، دست از این حکم قطعی برداشت و حکم وجوب الزام حجاب مقدم بر این روایت است.

ثانیاً؛ این روایت ناظر به زنان بادیه‌نشین و غیر مطلع و ناآشنا با احکام شریعت است و نمی‌توان این حکم را به همه زنان تعمیم داد. امروز حجاب از احکام ضروری

۱. آقای سید مصطفی محقق داماد؛ [https:// www.khabaronline.ir/](https://www.khabaronline.ir/) ۴۰۳۷۵۷۸/amp

۲. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۴، ص ۱۵۰-۱۴۹: در منابع روایی شیعی این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده و در خصوص موی سر است نه سر و سینه که آقای محقق داماد ادعا کرده است.

اسلام محسوب می‌شود که هر کسی که کمترین آشنایی را با احکام اسلامی داشته باشد، به وجوب آن پی می‌برد.

ثالثاً؛ این روایت در نقل‌های دیگر قید «اهل الذمه» را دارد^۱ و مختص به این زنان است. از این رو اکثر قریب به اتفاق فقها قائل به جواز نظر به موی زنان مسلمان بادیه نشین و امثال آنها نیستند.

رابعاً؛ این روایت بر فرض پذیرش، صرفاً در مورد موی این زنان است نه مواضع دیگر و اگر جواز نظر هم در مورد این گونه زنان ثابت شود، اختصاص به موی سر آنها داشته و نمی‌توان آن را به مواضع دیگر تعمیم

۱. به عنوان نمونه: عَبَّادُ بْنُ صُهَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُءُوسِ أَهْلِ تِهَامَةَ وَالْأَعْرَابِ وَأَهْلِ السَّوَادِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ لِأَنَّهُمْ إِذَا نُهِينَ لَا يَنْتَهِيْنَ وَ قَالَ الْمُغْلُوبَةُ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَعْرِهَا وَ جَسَدِهَا مَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ؛ مانعی ندارد، نگاه کردن به موی اهل تهمامه و بادیه نشین ها و اهل بادیه ها که از اهل ذمه هستند، زیرا آنان اگر نهی شوند تاثیر نمی‌پذیرند و فرمود: زن دیوانه که عقلش کار نمی‌کند، مانعی نیست که به مویش و بدنش نگاه شود، مادام که تعمد نداشته باشد». (علل الشرائع ج ۲ ص ۵۶۵)

و رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْتُوبٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شُعُورِ نِسَاءِ أَهْلِ تِهَامَةَ وَالْأَعْرَابِ وَ أَهْلِ الْبَوَادِي مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَ الْعُلُوجِ لِأَنَّهُمْ إِذَا نُهِينَ لَا يَنْتَهِيْنَ قَالَ وَ الْمُخُنُونَةُ الْمُغْلُوبَةُ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَعْرِهَا وَ جَسَدِهَا مَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ؛ مانعی ندارد، نگاه کردن به موی سر اهل تهمامه و بادیه نشین ها و روستایی ها از اهل ذمه، زیرا آنان اگر نهی شوند. تاثیر نمی‌پذیرند و فرمود: زنی که عقلش کار نمی‌کند، مانعی نیست که به مویش و بدنش نگاه شود، مادام که تعمد نداشته باشد». (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص: ۴۶۹).

داد.

خامساً؛ هیچ فقیهی از تعلیل «إِذَا تُهَيِّنَ لَا يَنْتَهَيْنَ؛ زیرا آنان اگر نهی شوند، ترتیب اثر نمی‌دهند» در روایت، عمومیت جواز نگاه به زنانی که نهی از منکر را نمی‌پذیرند را قائل نشده است، چه برسد به آنکه از چنین تعلیلی عدم الزام و برخورد با حجاب را بتوان استفاده کرد.

سادساً؛ بر فرض پذیرش این روایت و جواز نگاه به چنین زنانی، این حکم ملازمه‌ای با عدم جواز الزام به حجاب ندارد. این روایت بر فرض تمامیت، ناظر به حکم نگاه کردن به چنین زنانی است و نمی‌توان از این حکم، عدم الزام حکومت به حجاب را استفاده کرد به تعبیر دیگر سؤال از حکم نگاه کردن به چنین زنانی است و پاسخ هم ناظر به این سؤال است و در مقام بیان حکم الزام حکومت به حجاب نیست که بخواهیم از اطلاق آن عدم الزام حکومت به حجاب را برداشت کنیم. بنابراین نه این حکم نسبت به همه زنان دارای اطلاق و قابل تعمیم است و نه در مقام بیان الزام حکومت نسبت به حجاب است که دارای اطلاق در این خصوص باشد. از این جهت اطلاق آیات و روایات دال بر وجوب حجاب و مسئولیت حکومت اسلامی در قبال ارزش‌های

اسلامی ثابت و محکم است.

الزام حجاب از منظر تاریخی

برخی با استناد به فقدان گزارش تاریخی در الزام به حجاب در صدر اسلام، عدم جواز الزام حجاب از سوی حکومت اسلامی را برداشت نموده‌اند.^۱

اولاً؛ از نظر تاریخی این گزاره که در دوران رسول اکرم و صدر اسلام، هیچ الزامی نسبت به حجاب وجود نداشته، صحیح نیست که به دو نمونه بسنده می‌کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که عمرو بن حزم را به عنوان والی نجران در یمین منصوب کرد، شرح وظایفی برای او نگاشت؛ آن حضرت در بخشی از این دستور حکومتی، او را مسئول پاکدامنی و حجاب مردم می‌داند و از او می‌خواهد به اقدامات عملی در این زمینه همت گمارد. از این رو در بخشی از این حکم دستور داد تا مردم را از نماز خواندن در یک لباس کوچک (بدن نما) نهی کند، مگر اینکه پوششی باشد که بتواند دو طرف آن را به دو شانه

۱. به عنوان نمونه سید محمد علی ایازی می‌گوید: «در جایی نقل نشده است که در زمان پیامبر (ص) یا ائمه (علیهم السلام) کسی را به خاطر رعایت نکردن حجاب تعزیر کرده باشند تا ردع نکردن آنان، حجت و دلیل بر سیره امضایی باشد. چنین سیره‌ای به طور خاص درباره حجاب نبوده است.» (ایازی، سید محمد علی، نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب، مجله فقه، دوره ۱۴، ش ۵۲-۵۱، فروردین ۱۳۸۶).

خود گره بزند. مردم را از اینکه لباس کوچکی بپوشند که عورتشان (بخش‌هایی از بدن که در شرع پوشاندنش واجب دانسته شده است) آشکار شود، باز دارد و از اینکه کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی کند.^۱ در این حکم، به برخورد با پدیده بدپوششی به عنوان کارویژه حکومت اسلامی تصریح شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که از جمله پیمان‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان امت خود گرفتند این بود که چادرهای خود را در بین ساق پا و پشت خود جمع نکنند (و بر بدن نچسبانند)، و با مردان نامحرم در محل خلوتی ننشینند.^۲

ثانیاً؛ یکی از دلایل عدم گزارش مجازات برای زنان بی‌حجاب در زمان پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان (ع)، عدم شیوع بی‌حجابی آن است. زیرا زنان مسلمان به واسطه حجاب، خود را از کنیزان و زنان اهل کتاب که در موقعیت اجتماعی پایینی قرار داشتند، متمایز می‌ساختند. علاوه بر اینکه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی علیه السلام، حتی از

۱. ابن هشام حمیری، عبد الملك، سيرة ابن هشام، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۲۴۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۱۹.

این موارد محدود بی‌حجابی چشم‌پوشی ننموده و به صراحت از آن نهی نموده و به تذکر می‌دادند.^۱

ثالثاً؛ استناد به عدم برخورد حکومت اسلامی با مسأله بی‌حجاب در صدر اسلام بر فرض صحت، مبتنی بر همسانی شرایط دوره صدر اسلام و زمان حاضر در زمینه حجاب است و هنگامی می‌توان از عدم الزام حجاب از سوی حکومت در صدر اسلام، بر فرض صحت این ادعا، عدم الزام حجاب حکومت در زمان حاضر را نتیجه گرفت که همان شرایط حاکم بر جامعه اسلامی صدر اسلام، امروز نیز وجود داشته باشد، در حالی که مقوله بی‌حجابی امروز بسیار متفاوت با دوره صدر اسلام است. زیرا بی‌حجابی در آن دوران مانند امروز همراه با برهنه شدن و نیمه عریان بودن با آرایش و

۱. به عنوان نمونه، هنگامی که اسماء خواهر بزرگ‌تر عایشه، در خانه ایشان با لباس بدن‌نما ظاهر شد، پیامبر اکرم از ایشان روی برگرداند و در مقام اندرز به ایشان فرمود که شایسته نیست دختری که به سن بلوغ رسیده است، این‌گونه نزد نامحرم ظاهر شود، بلکه باید غیر از صورت و کف دستان را بپوشاند. (ابن قدامه مقدسی، عبد الرحمن بن محمد، الشرح الکبیر، بیروت: دارالکتب العربی، ج ۷، ص ۳۵۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام هم با سرزنش اهل عراق فرمودند: «یا اهل العراق! نبئت ان نساءکم یدافعن الرجال فی الطريق، اما تستحون؟ ولا تغارون؟ نساءکم یرجن الی الاسواق ویزاحمن العلوج؛ ای اهل عراق باخبر شدم که زنان شما در راه با مردان برخورد می‌کنند، آیا حیا نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید؟! زنانتان به بازارها و فروشگاه‌ها می‌روند و با افراد بی‌ایمان و لاابالی برخورد می‌کنند؟ (الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۷۴).

تحریک و خودنمایی و تلاش‌های رسانه‌ای گسترده دشمنان برای ترویج بی‌حجابی نبوده و آرایش و تجمل به شکلی که امروز رواج یافته، وجود نداشته است که تبدیل به یک معضل و مشکل اجتماعی بشود.

الزام حجاب از منظر سیاسی

صرف نظر از ادله عقلی و دینی و شرعی دال بر ضرورت الزام حجاب از سوی حکومت اسلامی، بر فرض که هیچ دلیل شرعی در مورد الزام به حجاب از سوی حکومت وجود نداشته باشد، بی‌حجابی امروز با توجه به پشت پرده آن که تخریب ارزش‌ها و باورهای دینی جامعه اسلامی را در قالب جنگ نرم از سوی دشمنان نشانه گرفته است، تبدیل به یک مقوله سیاسی و کارزار و تقابل فرهنگ سکولار و فرهنگ دینی شده است.

از این جهت صرفاً مسأله‌ای داخلی و با ابعاد محدود نبوده و جنبه عمومی‌تری یافته است. به عبارت دیگر حجاب امروز خط مقدم ارزش‌های اسلامی و نماد آن محسوب می‌شود و شکسته شدن آن یعنی آسیب‌پذیری ارزش‌ها و باورهای دینی از این جهت نباید به حجاب به عنوان مقوله‌ای فردی و اجتماعی محدود نگریست. حجاب حافظ سیل بنیانگر علیه ارزش‌های دینی و هویت اسلامی و ایرانی و هضم نمودن فرهنگ

اسلامی ایرانی در فرهنگ مبتذل غرب است.

برای درک این موضوع کافی است به این گزاره‌های دشمنان توجه شود تا ماهیت حرام سیاسی بودن کشف حجاب بهتر فهم شود:

وقتی مارتین ایندیک امریکایی که از عناصر اصلی پروژه استحاله و بی هویت کردن جوامع اسلامی است، درباره ایران می‌گوید دیگر وقت آن نیست که دانشجویان را به خیابان‌ها بکشانیم، بلکه باید چادر را از سر زنان برداشت و از این طریق می‌توان نظام اسلامی ایران را سرنگون کرد، آیا نباید کشف حجاب را پروژه‌ای برای به تباهی کشاندن جامعه دینی ایران دانست.

مستر همفر، جاسوس معروف انگلیسی می‌گوید: «زنان مسلمان دارای حجاب محکم هستند و نفوذ فساد در میان‌شان ممکن نیست. به هر وسیله‌ای شده باید آن‌ها را از حجاب اسلام خارج کرد. آنگاه مردان و جوانان فریفته می‌شوند و فساد در کانون خانواده‌ها رخنه می‌کند».

میشل هوئلیک، نویسنده اسلام ستیز فرانسوی می‌گوید: «جنگ بر ضد اسلام‌گرایی، با کشتن مسلمانان فایده‌ای ندارد، فقط با فاسد کردن آن‌ها

می‌توان به پیروزی دست یافت. پس باید به جای بمب بر سر مسلمانان دامن‌ها کوتاه فرو بریزیم».

بنیامین نتانیاهو: «امریکا می‌تواند با پخش سریال‌هایی که افراد زیباروی جوان را در وضعیت‌های متنوعی از برهنگی نشان می‌دهند و زندگی‌های فریبنده و مادی‌گرایانه دارند و رابطه‌های بی‌قید جنسی برقرار می‌کنند یک انقلاب را علیه حکومت ایران به راه اندازد. این [سریال‌ها] واقعاً براندازانه هستند. جوانان ایرانی دلشان از لباس‌های دلپسندی که در این سریال‌ها می‌بینند خواهد خواست. آن‌ها استخرها و زندگی‌های پرزرق و برق را خواهند خواست».

یکی از مقامات بلند پایه آمریکا در ارتباط با پوشش زنان در ایران گفته هر زن چادری در کوی و برزن ایران، به منزله پرچم جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا ما برای براندازی این نظام، باید حجاب آن‌ها را سست کنیم^۱.

از این جهت مقام معظم رهبری بی‌حجابی را نه تنها یک حرام شرعی و قانونی، بلکه حرام سیاسی دانسته و فرمودند: «مسأله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و

۱. خواب شیطان‌ی اجانب برای زنان چادر به سر ایرانی؛ بنیاد ملی عقاف و حجاب؛ <https://www.bonyadhejab.or>.

شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند، نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من می‌دانم. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرّعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسی پشت این سیاستِ رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند. به هر حال، این مسأله قطعاً حل خواهد شد. امام، در اولین هفته‌های انقلاب، مسئله حجاب را الزاماً و قاطعاً بیان کردند؛ جزو کارهای اوایلِ امامِ راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ این بود. حالا هم حل خواهد شد ان شاء الله. منتها همه توجّه داشته باشند که دشمن با نقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم؛ کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد.^۱

نفی الزام حجاب ناشی از خطای موضوعی و حکمی در مورد حجاب

مخالفت با الزام حجاب از سوی حکومت اسلامی

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۴۰۲/۱/۱۵.

گاهی از ناحیه موضوع صورت می‌گیرد و گاهی ناظر به حکم حجاب است.

برخی ضمن اذعان به مسئولیت حکومت اسلامی در قبال مسائل اجتماعی، حجاب را مقوله فردی و شخصی دانسته و از حیطه الزام حکومت خارج می‌دانند و برخی با وجود اجتماعی دانستن حجاب، منکر وجوب الزام حجاب در همه مسائل اجتماعی هستند.

اما فردی دانستن حجاب با توجه به حضور زنان در اجتماع و آثار و پیامدهای رعایت حجاب و عدم رعایت آن، ادعا و تصویری نادرست است. بله حجاب بر آحاد زنان در جامعه واجب است و واجبی عینی محسوب می‌شود، اما نباید بین عینی و فردی بودن وجوب حجاب با اجتماعی بودن مقوله حجاب خلط کرد.

وجوب حجاب اگرچه متوجه آحاد بانوان در جامعه اسلامی است اما نمی‌توان آن را واجب فردی دانست، چون موضوع حجاب و پوشش زنان در جامعه، اصالتاً موضوعی اجتماعی است، از این رو حکم وجوب رعایت حجاب نیز واجب عینی و اجتماعی است نه فردی. پوشش اجتماعی زنان در منظر جامعه اسلامی، جزء حریم خصوصی افراد نیست. از این جهت حتی در

کشورهای اروپایی نیز در مورد پوشش قوانین وضع شده است و زنان نمی توانند با هر پوششی در جامعه حضور پیدا کنند و این بیانگر آن است که مسأله حجاب و پوشش صرفاً یک مسأله فردی و شخصی نیست.

همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «نظام اسلامی با فردی که در خانه خود و در مقابل نامحرم حجاب ندارد، کاری ندارد، اما کاری که در خیابان و در ملأ عام انجام می شود در واقع کار و تعلیم عمومی است و برای نظام برآمده از اسلام، تکلیف ایجاد می کند. کار حرام، بزرگ و کوچک ندارد و آنچه حرام شرعی است، نباید به صورت آشکار انجام شود، زیرا شارع اسلامی بر حکومت تکلیف کرده مانع انجام حرام علنی شود.»^۱

از منظر دیگر، حجاب حق الهی است و رعایت این حق الهی بر حکومت اسلامی لازم است. «زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضی ام، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، حجاب زن، حق الهی است... لذا کسی حق

۱. بیانات در دیدار با مباحثان؛ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷.

ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.^۱

بنابراین حجاب از دو جهت می‌تواند مورد الزام حکومت اسلامی قرار بگیرد؛ یکی از آن جهت که حجاب از جمله تکالیف شرعی و اجتماعی است و دیگری در راستای اداره امور جامعه و نظام سیاسی اسلام بر مبنای مصالح و منافی که بر آن مترتب است. در حکومت دینی مرجع قانون‌گذاری، شریعت الهی است. در چنین حکومتی، دولت هرگز نمی‌تواند نسبت به مرجعیت دین و شریعت دینی بی‌تفاوت باشد؛ یعنی دولت در حکومت اسلامی موظف است که هر آنچه را که در شریعت دینی آمده به مثابه قانون تلقی کرده و برای اجرای آن در جامعه تلاش نماید و در غیر این صورت، اصولاً دولت مشروعیتی نخواهد داشت و مردم، دلیلی بر اطاعت از او نخواهند داشت.

گاهی اصل اجتماعی بودن حجاب پذیرفته می‌شود، اما الزام در مطلق مسائل اجتماعی از جمله حجاب مورد تردید واقع می‌شود. به عنوان نمونه ادعا شده مگر هر واجبی باید در قانون بیاید و نسبت به آن الزام شود؟ و حج را به عنوان مثال ذکر کرده‌اند که در عین

۱. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹، ص ۴۳۶.

واجب بودن، حکومت الزامی در مورد آن ندارد.^۱

این استدال دارای چند اشکال عمده است:

نخست؛ اینکه گفته شده در مورد حج الزام وجود ندارد، نادرست است و در مواردی امام می‌تواند الزام به حج نماید. امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر مردمان حج را تعطیل کردند، بر امام واجب است که آنان را به گزاردن حج مجبور کند، خواه بخواهند و خواه نخواهند، زیرا این خانه برای حج نهاده شده است»^۲ چنین حکمی در مورد زکات هم وارد شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «امام مردمان را به پرداختن زکات وادار می‌کند، چه این که خدای متعال گفته است: از مال‌های ایشان زکات بگیر که آنان را پاک می‌کنی»^۳

دوم؛ آنکه مقایسه حج با حجاب مقایسه نادرستی است. زیرا با وجود آنکه حج دارای جنبه اجتماعی است، اما انجام ندادن آن به گونه ای نیست که دارای پیامدهای اخلاقی و اجتماعی و زمینه ساز مفساد دیگر بشود، اما در مورد حجاب مسأله کاملاً متفاوت است.

۱. محقق داماد: <https://www.khabaronline.ir/amp>؛ ۲۰۳۷۵۷۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۷۲.

۳. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۵۳.

عدم رعایت حجاب موجب پیامدهای مخرب برای خانواده و جامعه و عامل بروز مفاسد متعددی است. اگر بابتی حجابی برخورد نشود، حد و مرزی برای آن وجود ندارد و بنیان‌های جامعه و کانون خانواده را متزلزل خواهد کرد. انتظار از آقای محقق داماد به عنوان کسی که ادعای تخصص در فقه و حقوق دارد، این است که این تفاوت روشن میان حجاب و سایر احکام را درک کنند و چنین مقایسه نادرست و مغالطه‌ای را انجام ندهند.

سوم؛ اگر حکومت اسلامی نسبت به حفظ ارزش‌های اسلامی و مقابله با ضد ارزش‌ها وظیفه و مسئولیتی نداشته و در این حیطة نمی‌تواند الزام و قانونی اعمال کند، اصولاً فلسفه وجودی حکومت اسلامی و تفاوت آن با حکومت‌های سکولار چه خواهد بود؟

نمی‌توان حکومت اسلامی را به گونه‌ای فرض کرد که نسبت به رواج منکرات و ترک معروف‌ها خنثی باشد و هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته باشد.

حد عدم الزام به حجاب

سؤالی که همه کسانی که قائل به عدم الزام به

حجاب هستند، باید به آن پاسخ دهند، این است که مرز عدم الزام به حجاب تا کجاست و تا کجا باید تحمل کرد؟ یعنی اگر زمانی عده‌ای از زنان تصمیم بگیرند برهنه یا نیمه برهنه در جامعه حاضر شوند، باز هم حکومت نباید دخالت کند؟ و اگر لازم است دخالت کند حد و مرز آن کجاست و چه کسی و بر اساس چه ملاکی این حد و مرز را مشخص می‌کند؟ پوشش در کشورهای سکولار و غربی هم بی حد و مرز نبوده و اینطور نیست که زنان بتوانند با هر پوششی در جامعه حضور پیدا کنند. آیا مسئولیت حکومت اسلامی از این حکومت‌ها هم کمتر است؟ اگر قرار به تعیین حد و مرز برای حجاب است، به چه ملاک، حد و مرز مشخص شده در شریعت را باید کنار بگذاریم و با عقل خودمان برای آن حد و مرز تعیین کنیم و اساساً ملاک و مبنای تعیین آن حد و مرز چیست؟

الزام حجاب و مقبولیت اجتماعی

گاهی به بهانه فقدان مقبولیت اجتماعی و نارضایتی عمومی، اصل الزام حجاب از سوی حکومت اسلامی مورد انکار قرار می‌گیرد.^۱ صرف نظر از آنکه

۱. سید مصطفی محقق داماد: «حکومت اسلامی برای حفظ جایگاه فقیه باید به احکامی پردازد که مقبولیت اجتماعی داشته و اجرای آنها موجب نارضایتی عمومی نمی‌شود» ([https:// www.khabaronline.ir/](https://www.khabaronline.ir/))

حجاب مطالبه اکثریت مردم انقلابی و متدین ماست و دارای مقبولیت عمومی است، مقید کردن احکام به مقبولیت اجتماعی و خواست عمومی چیزی جز سکولاریزه نمودن حکومت اسلامی نیست و چنین خوانشی حکومت اسلامی را در ردیف حکومت سکولار قرار خواهد داد. مطابق چنین نگاهی تفاوت حکومت اسلامی با حکومت‌های سکولار چه خواهد بود؟ اینکه حکومت اسلامی در اجرای احکام شریعت، مقبولیت و خواست عمومی را معیار قرار دهد، اگر روزی شرابخواری و همجنس بازی و... هم تبدیل به خواست عمومی جامعه شد، حکومت اسلامی باید نسبت به آن تسلیم شود؟!

جمع بندی

بررسی الزام حجاب از سوی حاکمیت دینی از منظر عقلی، دینی، تاریخی و سیاسی بیانگر آن است که مسئولیت حکومت دینی در قبال حجاب قابل انکار نیست و کسانی که در این الزام تردید و تشکیک نموده‌اند یا فهم صحیحی نسبت به ماهیت حکومت اسلامی و حیطه مسئولیت‌ها و وظایف آن ندارند، یا درک درستی از مقوله حجاب، جایگاه و اهمیت آن

ندارند و پیامدها و آثار مخرب بی‌حجابی را مورد توجه قرار نمی‌دهند و نقشه دشمنان در قالب جنگ نرم از طریق تخریب ارزش‌ها و باورهای دینی و استحاله فرهنگی و هویتی جامعه دینی را نادیده می‌انگارند و تصور می‌کنند که با برداشته شدن این الزام، حد و مرزی برای بی‌حجابی وجود دارد؟ واقعیت آن است که بی‌حجابی امروز به خط مقدم تقابل نظام ضد ارزش سکولار به پشتیبانی همه جانبه نظام سلطه با ارزش‌های دینی تبدیل شده و کوتاهی در مورد آن به تخریب باورها و ارزش‌های دینی خواهد انجامید.



شماره‌های پیشین ردیه:

- ردیه شماره ۱: تزامم اختیارات رئیس جمهور و ولی فقیه.
- ردیه شماره ۲: عزاداری و بررسی روایات نهی از آن.
- ردیه شماره ۳: اتهام جواز خشونت با اسرار اسلام.
- ردیه شماره ۴: اسلام منهای روحانیت و روحانیت منهای سیاست.
- ردیه شماره ۵: مشروعیت مقاومت.
- ردیه شماره ۶: دو دولت برای فلسطین.
- ردیه شماره ۷: قیام‌ها و حکومت‌های پیش از ظهور.